

۱۴۱۵۹۸۶

به نام خدا

هر قلبی بودای خویش است

آنتولوژی شعر ذن چینی
(از قرن چهارم تا بیستم میلادی)

مترجم

فرید حسینیان آبهانی



انتشارات متن دیگر

سرشناسه	: حسینیان تهرانی، فرید، -
عنوان و نام پدیدآورنده	: هر قلبی بودای خویش است.
مشخصات نشر	: تهران: متن دیگر، ۱۳۹۵.
مشخصات ظاهری	: ۱۴۶ ص.
شابک	: ۹ - ۰۹ - ۹۶۲۷ - ۶۰۰ - ۹۷۸
وضعیت فهرست‌نویسی	: فیبا
موضوع	: شعر چینی - ترجمه شده به فارسی.
رده‌بندی کنگره	: ۱۳۹۵ ۵۴ خ/ ۲۵۱۷ PIR
رده‌بندی دیوپی	: ۸۹۵/۱۱۰۸
شماره کتاب‌شناسی ملی	: ۳۳۹۰۷۶۰



تشریحات متن دیگر

آدرس: خیابان انقلاب - ۱۱ زور دین - پلاک ۳۱۶ - طبقه اول
 تلفن: ۶۶۴۹۷۱۱۳ - ۶۶۴۰۸۸۶ تلفکس: ۶۶۴۹۲۸۷۶
 کدپستی: ۱۳۱۴۶ - ۵۱۱۱

WWW.Matnedigar.ir/cor matnedigar.pub@gmail.com

مترجم:	فرید حسینی تهرانی
تیراژ:	۸۰۰ نسخه
سردبیر و ناظر ادبی:	رضا امن
طراح جلد:	شهریار مکی
تایپ و صفحه‌آرایی:	ارمان
نوبت چاپ:	اول ۱۳۹۵
لیتوگرافی و چاپ:	افلاک
شابک:	۹ - ۰۹ - ۹۶۲۷ - ۶۰۰ - ۹۷۸
قیمت:	۱۰۰۰۰ تومان

حق چاپ برای ناشر محفوظ است

مقدمه

مفسران متون مقدس سانسکریت، کوه‌نشینان ژنده‌پوش، راهبان و راهبه‌ها، کارمندان دولتی بازنشسته، دانشمندان دربار، امپراتوری چین، ساکنین دیرهای محقر کوهستانی، بهتر از بودایی که اعتبار و نفوذ اخلاقی‌شان اغلب آن‌ها را رقیب قدرتمند آنها، حاکم می‌ساخت: شاعران قرون چهارم تا بیستم میلادی در این جنگ گرد آمده‌اند. این خطوط شاعرانه‌ی شاداب و درخشان با اینکه همگی یک اندیشه‌ی یکسان را منتقل می‌کند، در عین حال به روشنی کثرت روش‌ها، تنوع تکنیک‌ها، و پرستی خلاقانه‌ی روح انسان که تجسم راستین "چان"^۱ است را با هم نمایند؛ گونه‌ای از طریقت بودایی که در چین زاده شده و در آسیای شرقی برای بیش از ۱۵ قرن رشد و رونق یافته است. روشی زنده و اغلب شادی‌بخش به‌سوی، و از دل، رستگاری روحانی راهی صلح‌جویانه و تاثیرگذار برای همیشه‌ی جهان که در سده‌ها زاینده و زاینده‌تر است. "ذن" در غرب مشهورتر است. ذن در غرب و شرق

^۱ - Ch'an

بیستم پرمق و زنده، در حال رشد و دگرگونی مداوم است با این نوید که به سرعت بدل به ویژگی‌ای از فردای فرهنگ جهان در قرن بیست و یکم گردد، همان‌طور که هزاران سال در دیروز آسیا نقش‌آفرینی کرده است.

شعراهای این جُنگ به ترتیب زمانی‌ای ارائه گردیده‌اند که دانش مدرن به‌دست می‌داد. بنابراین مجموعه حاضر تلاش می‌کند بینشی هر چند- اندک از جوهر تکامل مکتب "چان" عرضه نماید؛ مکتبی که اصالتن به گونه‌ای ظریف و بطئی وقف مسیر روشنگری شده که از مجرای مراقبه‌ی عمیق به این نهاد پویا که امروز ذن می‌نامیم، رسیده است. آن شور معنوی که مسیره‌های بی‌شماری را در دنیای ارزشین پیش‌بینی می‌کند، چه رهبانی و چه غیر روحانی، می‌تواند در نخستین شعرها هم مشاهده شود. رشد بینش "چان" در دوره ده‌دمان تانگ^۱ آغاز گردید؛ اتفاقی نیست که این دوره توانمندترین طلایی

۱ - امپراتوری تانگ (T'ang) دودمان شاهی در چین بود که از سال ۶۱۸ تا ۹۰۷ میلادی بر آن سرزمین فرمان راند؛ دوران سلسله تانگ، دوران شکوه و عظمت شعر و ادب در چین بود. لی‌پو یک شاعر رماتیک بود که از شراب، عشق و طبیعت تقدیر می‌کرد. دی پیرو چین لائوتسه بود. از دیگر شاعران بزرگ عصر تانگ، توفو بود که از آیین کنفوسیوس - روری می‌کرد. بیش‌تر اشعار توفو درباره مسایل انسانی‌است. در این دوره شاعران گروه‌هایی تشکیل دادند؛ مهم‌ترین این گروه‌ها گروه جام شراب بود که بیش از ۲۳۰۰ شاعر در آن عضو بودند. آثار شعری آنان در مجموعه‌هایی گرد هم آمده‌اند؛ این اشعار عمومین در بیش از ۱۲۰۰ سال پیش نوشته شده‌اند. (منابع: تاریخ چین، شسنو ژان، محمد پارسپیور، نشر علم، ۱۳۷۴ و دودمانهای شاهی چین، مین لوهوئی، نشر امیرکبیر، ۱۳۵۴)

"چان" و عصر طلایی شعر چینی لقب گرفته است. این امر در طیف متنوع آثار از اندرزهای عامیانه‌ی راهب کوهستانی افسانه‌سرا "هان شان"^۱ تا مراقبه‌های بازیابی شده‌ی شاعر، نقاش نامدار و اندیشمند صاحب‌منصب مکتب "چان"، "وتگ وی"^۲ قابل دیدن است. میان این دو، به یاری شاعران راهبی چون "چیائو جان"^۳، "لینگ یی"^۴، "کوان سیو"^۵ و نه راهب "سونگ"^۶، شاعران غیر روحانی مانند "ی پو"^۷، "پو چو-یی"^۸، "لین هو-چینگ"^۹ و "سو شی"^{۱۰}، تاریخی اشعار مذهبی دوره ابتدائی "چان" در بستر این جریان تعلیم، شعر سنتی چین آغاز گردید. در پی این رخداد، دوره برعکس بستر جریان شعری، این پیوند مبارک در کالبد حاضری روح تازه‌ای دمید و اجازه داد این تعامل با توان باورنکردنی، در فصاحت زبان مکتوب چینی و تاثیر کلی تکنیک‌ها و ابزارهای شعری آن، صورت پذیرد. "چان" که از تائوئیسم^{۱۱} الهام‌گرفته‌ای شک به سلامت

1- Han Shan

2- Wang Wei

3- Chi-jiao

4- Ling-yi

5- Kuan Hui

6- Song

7- Yu

8- Po-chu-yi

9- Lin Ho-ching

10- Su Shih

۱۱ - تائو (Tao): یکی از ادیان رسمی چینی‌های قدیم آیین تائو و یا دائو است. که در قرن ۶

کلمه را آموخته بود، منبع جدیدی از توانش زبانی را در شعر کلاسیک یافت که صراحتن بر اساس این اصل که "هیچ اندیشه‌ای وجود ندارد مگر در چیزها" شکل گرفته بود.

بسته همزیستی سلسله‌ی "تانگ" با هر دو سنت شعری روحانی و غیر روحانی "چان" برای آماده نگه داشتن دو گروه شاعران (که اغلب با هم دوست بودند)، عاملی برای رویارویی و رتقاء کیفیت هنر آنان شد. شعرهای شوک‌آور برهنه‌ای از هزاران "شی ته"، شعری که تظاهر و تدلیس را مورد استناده قرار می‌دهد، و سیلی محکمی بر صورت مراقبه‌کنندگان سینه‌مايه و مقلدان احمق آئین قراردادی می‌نوازد، برای صدها سال سایه‌به‌سایه‌ی سنت

ق.م در چین با مجموعه‌ای از معتقدات و مناسک و اعمال مذهبی، اغلب با خرافات و اوهام همراه بود پیدا شد و بعدها با مسابلی فلسفی و عرفانی دین بستگی داشت. کلمات تائوچینگ که همان فلسفه تائو است در قرن ۴ ق.م تنظیم شده فلسفه آن بر مبنای "بدها به" که "هر گاه اشیا در طریق طبیعی سیر کنند هر آینه با نهایت هماهنگی و تناسب و کمال حرکت خواهد کرد. تائو یک راه ازلی است و به هیچ مانع و حایلی برخورد نمی‌نماید. سبب و علت و نرمی پیش می‌رود. تائو تعریف غیر ممکن دارد و می‌گویند که کلمات و عبارات به در بیان حادث بوجود می‌آید ممکن نیست بر امری ازلی و قدیمی احاطه داشته باشند. بنابراین هر اسمی بر تائو عین حقیقت آن است." (منابع: تاریخ فلسفه چین ترجمه: پاشایر، ساریان ادیان جان بی‌ناس)

به این صورت می‌توان دریافت که این شک به کلمه ناشی از شک به اندیشه است که اسم را واسطه‌ای برای کنترل و استفاده از چیزها و اشیا می‌کند و چون تائو (همچون بودیسم) تنها به ماهیت و سرشت چیزها که از طریق مشاهده‌ی مستقیم و شهود حاصل می‌شود اعتقاد دارد، در نسبت درست شیء و کلمه مردد است. (مترجم)

روحانی پویایی که به مراقبه و آرامش، خودآگاهی و مهربانی اهمیت می‌دهد، گام می‌زند. هردوی این جریانات، زیبایی و زوال تدریجی را در زندگی دنیوی به ما یادآور می‌شوند. و همچنین نهایت ابتدالی را فرا یاد می‌آورند که اغلب بسیاری از مردم را به گودال رنج می‌کشاند. هر دو ضعف را می‌پذیرند و قبول می‌کنند همان حال که وجود قدرتی روحانی را که در بینشی باطنی نهفته است به آهستگی ندید می‌شد.

به سبب همین امر، روزین رسومی را در بر می‌گیرد که اندکی با سانتار، کارکرد مذاهب و مکاتب سنت‌های روحانی بزرگ بسیار مدرن متفاوت است. در ذن، بودیسم مکتبی عام را دربردارد که در واقع یک مکتب نیست، اجتماعی است از مشارکت‌کنندگان روحانی و غیر روحانی در رویه‌ای گزینشی و تجربی، که در چهره‌هایش به روی تاثیرات بیرون از مرزهای مشخص خود گشوده است. این گروه که دربرگیرنده‌ی شمار فزاینده‌ای از شاعران و هنرمندان غربی است، قدیمی‌ترین مسیر می‌باشد "چان" را پوییده، هدف خود را همان پایه کشف شایستگی‌های رستگاری قرار داده‌اند که رهایی از هرگونه احساسات‌گرایی؛ تو گویی از این منظر کشف شایستگی‌ها

مقدم بر خود شایستگی هاست.

با وجود اینکه "ذن" برای مدت طولانی در غرب با ویژگی‌های تاریخی بسیار مانگار و یگانه خود، به خصوص مراقبه‌ی نشسته^۱ و روش کوآن^۲ شناخته شده است، این امر در حقیقت صریحاً به سرزندگی آن بر می‌گردد، به میل به زیستن‌اش، التقاطی بودن و کاربردگرایی روحانی که آنرا هم‌راه آن زمان می‌کنند حتا به زمان ظهور آن در چین. در حال حاضر، این مکتب تحت تاثیر بسیار قوی طبیعت‌گرایی تائوئیسم چینی راقع شده و خود "چان" نیز به طور جوهری در ارتباط با رستگاری همان "مهایانه"^۳ است. این

1 - tso ch'an یا zazen

۲ - کوآن (koan) بخشی بنیادین از تاریخ و سرچشمه یسم ذن است که شامل داستان، گفتگو، پرسش یا بیانی است در مورد چیزهایی که از طریق تفکر منطقی فهمیده نمی‌شوند ولی شاید از طریق شهود دست‌یافتنی باشند. به این معنا که استاد در راستای شکستن ساختار ذهنی رهرو و هدایت او به فراسوی تفکر منطقی عبات را برپا می‌کند که مفهوم و پاسخی منطقی ندارد.

۳ - مهایانه (Mahāyāna) در بوداگرایی هم دو شاخه اصلی وجود دارد. نام آنها هینه یانه و مهایانه است. یانه در سانسکریت یعنی راه. هینه یعنی کوچک و محدود. هینه یانه یا یعنی بزرگ و مهتر. در فارسی می‌شود آنها را کهراه و مهراه ترجمه کرد. فرق بنیادین هینه یانه (کهراه) با مهایانه (مهراه) اینست که آرمان هینه یانی‌ها تک‌بیداری (آرغت) است. یعنی مهایانی‌ها به بیدارگر شدن باور دارند.

توضیح اینکه در کیش بودا آرمان فرجامین افراد، بودا شدن است. واژه بودا در سانسکریت یعنی بیدار. منظور از بیدار شدن، پی بردن به رازهای هستی و پیوند یافتن با جهان راست (حق) در پس پرده این جهان ظاهری است. بوداییان جهان پیروان ما را مانند پرده‌ای رنگ و وارنگ می‌دانند که میان ما و جهان راستین کشیده شده است. در باور ایشان جهان راستین پشت پرده دارای هیچکدام از ویژگیهای این جهان ظاهری دور و بر ما نیست. اگر هم از آنها بپرسید که آنها این را از کجا می‌دانند می‌گویند چونکه بودا به آن جهان راه یافته

ارابه‌ی بزرگ بوداست، انسان بزرگ که می‌تواند هر چیز حساسی را به خارج از دایره رنج که همانا نیروانا^۱ است برهاند. در بومی‌ترین شکل خود، ذن انگیزه‌ی اندکی برای پرستشگاه‌های بزرگتر دارد، انگیزه‌ی کمی برای خطوط عقیدتی سخت یا سازمان رسمی "بزرگ‌تر": عمارت‌های بزرگ مذهبی که چون طاعون به جان مسیحیت افتاده در "چان" با سائقی سرزنده و شاد جایگزین شده‌اند؛ به یافتن طریق‌های برای راهی‌کردن سالک طریقت، به یافتن معنای یسوعی برای هم‌نشینی با هستی، یا ایستادن و دراز کشیدن در راه، گر لازم باشد، برای رهایی از توهم، سرانجام، احسان، تبسم، واقعی، نشانه، هستی و ساختار

و برگشته و از آنجا برای ما خبر آورده است. هینه یانی‌ها (باورمندان به راه محدود)، معتقدند که هر کس باید بکوشد برای خودش این پرده را پاره کند و از روزنه‌ای به دریای حق فرازود. آنها معتقد به تکروی هستند. در بوداگرایی این بیدارشوندگان تکرر را آرشت یا آدمهان^۲ پالایش می‌نامند. اما مهایانی‌ها (مهرامی‌ها) بر این باورند که کسانی که دریای بیکر را در راستی را دریافتند باید دم درگاه حق بمانند و بکوشند تا بقیه موجودات را هم به سوی حق و حقیقت بکشانند. در ادبیات بودایی به اینگونه افراد بیدارگر (بوداستف یا بودی سوا Bodhisattva) می‌گویند. بیدارگران اینکار را از روی مهرورزی به همه موجودات می‌کنند. به این همه ماها را به چشم نموده‌ای از جهان حق می‌بینند و به همه ما مهر می‌ورزند و می‌کوشند تا آنها را نیز مانند خود بسوی رستگاری و حق یابی بکشند.

(منابع: نوشتار مهرام، از مانی پارسا و پاشایی، ع: فراسوی فرزاندگی (پرگیا پارمین)، نشر راه معاصر، تهران ۱۳۸۰)

۱ - نیروانا (Nirvana) هدف ممتاز آیین بودا در راه رسیدن به اشراق کامل و رهایی و آرامش مطلق است. نیروانا حالتی است که در آن آدمی از چهل رنج، شهوات، خشم، خواهش و تمنا و وابستگی‌ها کاملاً تهی شده و به فرزاندگی کامل دست یافته‌است.

ذن تنها روح رها و آگاهی انسانی زینده در جهان است. اگر چنان، همانطور که بسیاری ادعا می‌کنند، یک دین نباشد- چون دارای دستورالعمل‌ها، ساختارها و سخت‌گیری‌های اندک است- چندان اشتباه نخواهد بود که گوئیم شعر، در چین و ژاپن، آئینی بوده است پیوند خورده با چنان. این شعر است که با هدف اشتراکی‌اش از مجرای تعامل در صیقه با کوشش برای ایجاد همراهی^۱ میان تمام فرهنگ‌ها، انسانی در جهان، جامعه‌ی رهبانی را به جامعه غیر روحانی برده و او را به امروز گره می‌زند.

شعر در این استواری شعری انسانی‌ست، نه الهی و نه حتا از جانب خدایان. تعداد کمی از شاعران این مجموعه در تاریخ با عنوان استادان دین شناخته می‌شوند در حالی که همگی به روشنی پویندگان آزادی برای خود و دیگران هستند. برای تمام آنها شعر، هم‌طور که احتمالاً برای بسیاری از شاعران دیگر این گونه می‌بایست باشد، بیان پالایش‌یافته‌ی آگاهی‌ای‌ست که هر کسی- با آن روبرو شود- به سوی آن گام خواهد برداشت. در کنار این تعبیر مفهوم پارادوکسی که مشخصه‌ی دذن است در رویکردی بسیاری از شعر نیز هویدا می‌شود: شعری در مورد شراب.

انسان، شعری توسط او و برای او؛ همان قدر از لذت می‌گوید که از اندوه و همان قدر درباره‌ی اشتیاق است که پذیرش. اشتباه نیست اگر گفته شود شعر چنان هیچ استعاره‌ای را در بر نمی‌گیرد: ترانه‌ی است از پدیده. کوه همان کوه است؛ رودخانه همان رودخانه. صخره‌ای در هان شان^۱، صخره‌ای ست در یوان می^۲، صخره‌ای در جهان. در سایه‌اش بنشین به وقت تابش آفتاب داغ بر قله‌ی کوه‌ها. اما، اما! همان در هم در طریقی متناقض (پارادوکسیکال)، تمام شعری که یک‌به‌یک کنار هم جمع می‌شوند و تبدیل به استعاره‌ای یگانه می‌شوند: طبیعت، بازساخته شده در کلام شعر، خلوص یافته در ابره آگاهی، استعاره‌ای واحد از طبایع ماست که هیچ‌جا نیستند. ماهی که از پس باران‌های گوناگون می‌تابد، ماه همان یک ماه است. وقتی ابرها کنار می‌روند، نوری یگانه پدیدار می‌شود؛ قایق طوفان زده‌ات را اینجا ببند، در دایره نور.

چون پدیده‌ی سیتن

1 - Han Shan

2 - Huan Mei